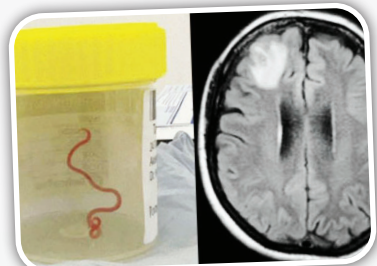


گرمینوچ

کشف کرم در مغز



دکترها در استرالیا، برای نخستین بار در تاریخ بشر، یک کرم سالم و زنده را از مغز یک انسان بیرون کشیده‌اند. این زن مدت‌ها دچار فراموشی و افسردگی شدیدی می‌شده و حالا پزشکان می‌گویند دلیلش همان کرم است. کمترینی بوده است. بعد از اسکن، پزشک‌ها حضور یک جسم خارجی را تشخیص دادند و با جراحی، آن را خارج کردند. پزشک جراح این زن گفته که این مورد، واقعاً یک راز است و تا حالا موردی مثل آن در دنیا مشاهده نشده است. او گفته است که حین جراحی، به چشم خود دیده که این انگل، حرکت می‌کرده است. این کرم، برای تحقیقات به یک مرکز علمی منتقل شد تا ساختار ژنتیکش بررسی شود. زن استرالیایی هم گفته از فراموشی و افسردگی خلاص شده.

آهو در بهشت شیرین



یک آرزو که خیلی‌ها در کودکی داشته‌اند، پرسه زدن بدون مزاحم در قنادهای بوده است تا هر چه می‌خواهند بخورند. حالا یک آهو در آمریکا، به این آرزوی دیرینه رسیده و مدتی در یک قنادهای چرخ زده و در نهایت، آن را با کام شیرین ترک کرده است. مالکان این مغازه که مشغول کار باغچه‌کاری هستند، آهو را به نام شیرین می‌نامند. این آهو در نهایت بدون آسیب وارد کردن به مغازه، آن را ترک کرده است. مالکان بعد از بررسی دوربین، متوجه شده‌اند که این حیوان قبل از اینکه در کاملا بسته شود، آرام داخل مغازه خزیده و حسابی از خودش پذیرایی کرده.

قهرمان ۵ ساله هاوایی



یک پسر بچه آمریکایی، به خاطر نشان دادن همدردی خود به مردم هاوایی که گرفتار یک آتش سوزی مهیب طبیعی بزرگ هستند، به قهرمان آنها تبدیل شده است. این پسر ۵ ساله که در آیداهو زندگی می‌کند، بعد از شنیدن اخبار آتش سوزی‌های بزرگ در هاوایی، جلوی کارخانه‌شان بساط لیموناد و تنقلات را انداخت تا برای مردم هاوایی پول جمع کند. اقدام نیکوکارانه این پسر با همه، با استقبال همسایه‌ها مواجه شد و در نهایت، نزدیک به ۲۰ هزار دلار هم برای مردم هاوایی جمع شد. حالا اقدام این پسر بچه، در آمریکا و به خصوص هاوایی سر و صدا کرده و مردم در شبکه‌های اجتماعی از او و حس انسان دوستی‌اش حسابی تمجید کرده‌اند.

فراخوان



بی تعارف و تکلف مشکل همین مستن کوتاهی که می‌بینید، ما منتظریم تا نوشته‌هایمان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه‌هایمان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کار یکاتور و طرح‌ها می‌هستید جایمان اینجا محفوظ است. متن یا طرح تا یک ماهه شد یک تماس با شماره ۰۲۱-۲۳۰۳۳۰۳۳ بگیرد یا برای رساندنش به ما، راهمنا می‌تان کنیم.

ماجرای جوی با بچه‌های قد و نیم قد

ماجرای جوی و طبیعت‌گردی در نقاط دورافتاده و صعب‌العبور، برای هر آدمی سخت است و چالش برانگیز؛ حالا فکرش را یکبندید، یک خانواده ۷ نفره با بچه‌های قد و نیم قد به چنین ماجرای جوی سختی بروند. این چالش، چیزی نبوده که خانواده تندرگ‌ها را از این سفر خانوادگی بپرهیزان منغ کند. دانا و اولن تندرگ که هر دو ۲۴ ساله هستند، همراه با ۵ بچه خود که ۱۴، ۱۲، ۱۰، ۷، ۱ و ۲ ساله هستند، چنین کاری کرده‌اند و برخی از طاقت‌فرساترین، چالش برانگیزترین و طولانی‌ترین مسیرهای طبیعت‌گردی در آمریکا را با هم زیر پا گذاشته‌اند. آنها در یک مسیر ۳ هزار و ۵۴۰ کیلومتری از ایسالات جورجیا تا مین طبیعت‌گردی کرده‌اند و در تجربه تحسین‌برانگیز دیرگشان، یک مسیر تریل ۲ هزار و ۸۷۳ کیلومتری را زیر پا گذاشته‌اند و این البته با بیان کار تجربه‌های هیجان‌برانگیز این خانواده نیست و آنها در حال طی کردن یک مسیر معروف دیگر هستند که نزدیک به ۲ هزار و ۹۰۰ کیلومتر را شامل می‌شود. حتی فکر کردن به این اعداد کمی می‌تواند ترسناک باشد اما این خانواده، لذت با هم بودن در یک کار هیجان‌انگیز و ماجراجویانه را بالاتر از همه ترس‌ها و نگرانی‌های داند و الهام‌بخش خانواده‌های شلوغ در سراسر دنیا شده است. دانا، مادر این خانواده درباره این تجربیات عجیب گفته است: «ما می‌دانیم که خانواده‌های زیادی نمی‌توانند چنین کاری بکنند. یا زامنش را ندارند، یا پولش را و یا اصلاً تمایلی به انجام این کار ندارند. ما همین خاطر ما خودمان را خوشبخت می‌دانیم که موفق به انجام این کار شده‌ایم.» دانا و اولن که هر دو پزشک هستند، در دوران دانشجویی با هم ازدواج کردند و در ۲۰ سال گذشته، انواع ماجراجویی را تجربه کرده‌اند؛ از طبیعت‌گردی در آفریقا گرفته تا کوهنوردی‌های طولانی در ارتفاعات کانادا. اما سال‌ها به‌خاطر بچه‌هایشان، کمی از این فعالیت‌ها دور بودند تا اینکه بچه‌ها تولد فرزند چهارمشان، تصمیم گرفتند دوباره ماجراجویی‌ها را و این بار با همراهی بچه‌ها، از سر بگیرند. آنها از طبیعت‌گردی‌های کوتاه ۵۰ کیلومتری شروع کردند و وقتی دیدند تجربه خوشایندی است، کم‌کم مسیرهای طبیعت‌گردی تری را انتخاب کردند و در نهایت، به مسیرهای سخت و مشهور رسیدند. سخت‌ترین چالش آنها در این سال‌ها، گاهی نه خود مسیر که شرایط آن بوده است؛ برای نمونه آنها در دوران همه‌گیری کرونا، باید مطمئن می‌شدند که می‌توانند از مناطق خاصی عبور کنند و قرنطینه شامل حالشان نمی‌شود و البته خود مسیرها و چالش‌هایش هم بوده است؛ آنها نمی‌دانستند که آیا واقعاً با توجه به تعداد بچه‌ها و شرایطی که دارند، می‌توانند ماجراجویی‌شان را به پایان برسانند یا نه. اما در نهایت، نه تنها موفق به انجام کردند بلکه انگیزه بیشتری برای برنامه‌های بعدی پیدا کردند. تولد پنجمین کودک کمی برنامه‌های آنها را به هم ریخت؛ اما وقتی کمی این فرزندشان بزرگ‌تر شد، تحقیق درباره سفر در دل طبیعت با نوزاد را شروع کردند و خیلی زود دوباره برنامه‌ها را سر گرفته‌شد. نوزاد، حرکت آنها را در تجربه بعدی کندتر کرد اما به گفته خودشان، لذت ماجراجویی بیشتر شده است.



راهنما

مراقبت از کودکان در پیاده‌روی اربعین

مراجم پیاده‌روی اربعین برای همه است، حتی کودکان. امسال هم همانطور که در خبرها خوانده‌اید، حضور کودکان در این مسیر سبز پر رنگ‌تر شده و از آنجا که این گروه سنی، به‌شدت آسیب‌پذیرند، باید حسابی مراقب بود که آسیبی نبینند. اگر با کودکان قصد سفر به کربلا را دارید، این توصیه‌های کارشناسان هلال احمر می‌تواند به شما کمک کند تا بهتر از کودکان در این سفر مراقبت کنید.



داشته باشید.

- به علائم بیماری در کودک توجه داشته باشید و در صورت مشاهده، کودک را به واحد یا با یکگاه ارائه‌دهنده خدمات بهداشتی و درمانی منتقل کنید. این علائم عبارت‌اند از: نشانه‌های خطر عفونت تنفسی مثل سرفه، تنفس تند یا تشنجه شدن، قهقهه سینه، بالا بودن دمای بدن و بی‌قراری. علائم خطر اسهال مثل خروج آبکی مدفوع، بی‌حالی، فرورفتگی چشم‌ها، ناتوانی در نوشیدن و بی‌قراری. علائم خطر عفونت گوش مانند درد گوش و خروج ترشحات چرکی از آن. علائم خطر گزش حشرات و جانوران موذی مثل درد و سوزش محل گزش، بی‌قراری، خارش موضعی یا خارش عمومی بدن و علائم خطر مسمومیت غذایی مثل اسهال، استفراغ و دردهای شکمی.
- با توجه به گردوغبار و وزش باد، از آنجایی که کودکان و خردسالان در برابر ریزگردها نسبت به سایر افراد آسیب‌پذیرتر هستند، بنابراین باید از آنها بیشتر مراقبت کرد و بهتر است از ماسک‌های مخصوص کودکان استفاده کنید. چند ماسک تمیز اضافه هم همراه داشته باشید تا در صورتی که ماسک کودک آلوده، خیس یا گم شد، ماسک جایگزین داشته باشید.

- یادتان باشد که قبل از سفر، از واکسیناسیون کودکان مطمئن شوید و اگر واکنشی مانده که تزریق کرده، حتماً واکسیناسیون را انجام دهید.
- باید در طول سفر، برای کودک خود از کرم ضد آفتاب استفاده کنید؛ زیرا پوست او بسیار حساس است و ممکن است به راحتی دچار آفتاب‌سوختگی شود.
- طاقت و استقامت کودکان خیلی از بزرگ‌ترها کمتر است، پس حواستان باشد که هر چند ساعت به کودک خود استراحت دهید و اجازه بدهید که کودکان خواب کافی داشته باشند.
- نکته مهمی برای پیشگیری از انتقال بیماری‌های ویروسی و میکروبی وجود دارد؛ اینکه قبل از دادن آب و مواد غذایی به کودک، حتماً از سالم بودن آن مطمئن شوید.
- حتماً لباس متناسب فصل برای کودک خود همراه ببرید. بهتر است از بردن کودک بیمار خودداری کنید.
- اما، در صورتی که کودکان بیمار بسود و او را به سفر بردید، باید داروهای مصرفی روزانه او را همراه ببرید به موقع به او بدهید.

- در طول سفر از قراردادن کودک در معرض دود سیگار، افراد مبتلا به بیماری‌های تنفسی و عفونی، محیط‌های آلوده و غیر بهداشتی، گزش حشرات و جانوران موذی خودداری کنید.
- می‌تواند که قرار است سبک سفر کنید اما در صورت بردن کودک، لازم است که حتماً یک ساک دستی شامل بردید، اضافه و مناسب فصل، پوشک و وسایل مورد نیاز تعویض آن، تنقلات مورد علاقه، داروها و مکمل‌ها، اسباب‌بازی، شیر خشک و وسایل تهیه آن را برای کودک خود در سفر همراه کنید.



مراقبت از کودکان

خوش خبر

هدیه اربعینی دانش‌بنیان‌ها

معمولاً دانش‌بنیان‌ها رکورددار خبرها و اتفاقات ناب بوده‌اند و حالا سسر و کله آنها در اخبار خوب اربعینی هم پیدا شده. محققان شرکت‌های دانش‌بنیان ارادت خود به ابعادالله (ع) و عاشقان ابعادالله را با تولید یک دارو نشان دادند تا مبادا تن زائران امام حسین (ع) به ناز طبییان نیازمند شود. این محصول که قبل از اربعین وارد بازار شد، یک اسپری بینی است که در پیشگیری و درمان بیماری‌های ویروسی از جمله سرماخوردگی و آنفلوآنزا هم کاربرد دارد. اسم تحفه دانش‌بنیان‌ها برای زائران اربعینی اسپری «کلدانتیر» است که زائران با مصرف آن یک‌طورهایی در مقابل بیماری‌های ویروسی مصون می‌شوند. نکته خیلی مهم در خصوص این داروی ضد ویروسی شکستن دوباره یک انحصار است. تا پیش از این، این محصول در دنیا فقط توسط شرکت آمریکایی و اتریشی تولید می‌شد.

از زندان به زیارت

همین چند روز پیش اگر یادتان باشد خبر دادیم که عده‌ای از زندانیان تویسرکان که گروه سرود تشکیل داده و انشعاری با مضامین و محتوای محرم و عاشورا را آماده کرده بودند. برای اربعین راهی زیارت کربلا شده‌اند. حالا هم از اداره کل زندان‌های آذربایجان خبر رسیده که با اعزام ۴۱۰ زندانی واجد شرایط مرخصی برای شرکت در پیاده‌روی اربعین موافقت شده. می‌بینید! اربعین خیلی از مصادقات را به هم می‌زند. انقدر که زندان‌ها را هم خالی می‌کند و به تعداد قدم‌های زائران از عمود یک تا عمود ۱۴۵۲ اضافه می‌شود. اتفاقاً امام حسین (ع) هوای این زائران را بیشتر از بقیه دارد، چون دل شکسته‌تر از بقیه‌اند. چون از چهار دیواری زندان قدم در این مسیر گذاشته‌اند و شکی نیست که امام حسین (ع) دست‌شان را بر می‌کند از کرم بی‌حسابی.



اعتیاد مجازی | اثر: آنجل بولیگان / مکزیکی

کتابخانه تابستان

بوشهر صادق



فاطمه اشرف

روبه‌روی اسکله جفره ایستاده بودم و ماهی‌های تازه صیدشده را می‌دیدم؛ نه قصد خرید داشتم و نه پای رفتن. دلبری که برای خردم موجه بود مرا به زمین خیس و لزج آنجا چسباند به بود. می‌توانستم گوشه‌ای بمانم و گفت‌وگوی ماهی فروش جوان بوشهری و پیرزنی را بشنوم که صورت گرد سبزه‌ش را بین یک شیله مشکی پوشانده بود و این برای من که شیفته گویش بوشهری هستم بی‌تظیر بود، اما کم‌کم حسن کرد حضور ساکنم، نگاه پسر ماهی فروش را بر از سوال کرد. پیش از آنکه او چیزی بپرسد، گفتم: «من عاشق بوشهر و لیچه بوشهری‌ام.» او ولی در فکر فروش ماهی‌های خودش بود. گفتم: «پس مسافری، به ماهی خوشمزه بدم بری شورت؟» ماهی نمی‌خواستم، اما برای چند دقیقه بیشتر ماندن بهتر بود چیزی بخرم. گفتم: «خو پس سواره ببر، شگفتی.» یک ستاره دریایی خریدم و شب که به تهران رسیدم آن را کنار کتاب تنگسیر و یکی دو جلد داستان کوتاهی گذاشتم که نویسنده‌ای از بوشهر آنها را نوشته است. قرار بود دیدن هرباره ستاره مرا یاد بوشهر بیندازد، اما همیشه عذاب وجدان جدا کردن بخشی از طبیعت مقدم بود بر یاد بوشهر.

چند ماه بعد وقتی حسابی دلم برای بوشهر تنگ شده بود، سراغ همان طبقه از کتابخانه رفتم. تنگسیر را برداشتم و شروع کردم. از آنجایی که من نشسته بودم، یعنی روی کاناپه کنار کتابخانه و زید با کولسر، گرمای تند آفتاب بوشهری را با کلام صادق چوپک حس کردم. زائر محمد همان مرد بوشهری روراستی بود که مرا به صداقت و یکرنگی بوشهر و بوشهری‌ها وصل می‌کرد. شب شده بود، چشمانم سنگین بود، اما روند زمان چنان تند بود که نتوانستم آن را زمین بگذارم، یک نفس خواندم و کتاب وقتی تمام شد که نور آفتاب، پرده ضخیم شیری‌رنگ سالن را رده‌وروی فرش پهن شده بود.

روی خط آخر کتاب مانده بودم؛ جایی که چوپک پس از آن دیگر چیزی نوشته بود، اما من می‌دانستم زائر محمد که حالا شیر محمد شده، بر بلم سوار شده، می‌دانستم از رسیدن به داخلواش خوشنود است و می‌دانستم عذاب وجدان در سینه‌اش ریشه دوانده و چیزی نمانده تمام وجودش را بگیرد.

تنگسیر را بستم، بلند شدم، پرده‌ها را کنار زدم و سمت کتابخانه رفتم. حالا جقدر جای ستاره دریایی بیشتر از قبل مناسب است. ستاره‌ای که همیشه در کنار یادآوری شیرین سفر بوشهر، بلد است نیشی به عذاب وجدانم بزند تا یاد بماند بار دیگر تکه‌ای از طبیعت را به‌خاطر خوشایندم با خود به خانه نیآورم.

ایده خوب

سینمای دانش‌آموزی



سینما، برای خیلی از ما بزرگ‌ترها نوعی سرگمی است، برای آنها بی‌منتقدند یا شغلسان یک جوهرایی با سینما گره خورده، خیلی جدی تر است و برای آنها که علاقه عجیب و غریبی به سینما دارند، عشقی است که به خاطرش به آنها می‌گویند عشق سینما، اما همین برده نقره‌ای و سالن پر از صندلی و تاریک، برای بچه‌ها یک تفریح بزرگ و یک خوشگذرانی چندساعته است که با خودش می‌بردشان به دنیایی از رنگ‌ها و رؤیایها و خیال‌ها. این درست که لایه‌لای فیلم‌های جدی و بزرگسالانه، هر سال چندتایی فیلم کودک و نوجوان هم تولید می‌شوند، اما تا به حال هیچ سینمایی مختص بچه‌ها ساخته نشده بود و قشر کودک و نوجوان برای دیدن فیلم‌هایشان باید به همان سینماهایی می‌رفتند که پدر و مادر می‌روند. می‌گویم ساخته نشده بود، چون همین امروز نخستین سینمای مختص بچه‌ها در مجتمع کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان افتتاح شد. اسم این سینما را گذاشته‌اند «سینمای دانش‌آموزی» چرا که وزارت آموزش و پرورش هم یکی از بنیان این طرح است و قرار است بعد از این بیشتر با کانون همکاری داشته باشد. اینکه سینمای دانش‌آموزی قرار است چطور اداره شود یا چه فیلم‌هایی نشان دهد... هنوز معلوم نیست، اما وزیر آموزش و پرورش گفته که موضوع کانون‌های مدرسه قرار است در کانون به‌صورت جدی پیگیری شود و علاوه بر آن طرح معلم و دانش‌آموز و کتاب و کتابخوانی، قسه‌گویی هم بشود مهم‌ترین محورهای تغییر و تحول در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.